

مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی و صرفی گویش بستکی و گویش بندر خمیر

محمد صالح ارزن کار*

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۳۰

چکیده

بندر خمیر شهری کرانه‌ای و بستک، شهری پس کرانه‌ای در استان هرمزگان است. گویش مردم بندر خمیر زیر گویشی از بندری و گویش بستکی، زیر مجموعه‌ای از دری لارستانی محسوب می‌شود. در دوره‌ی اقتدار حاکمان و خوانین بستک، بندر خمیر زیر نظر حاکمان این شهر اداره می‌شده است؛ همچنین ورود سادات قتالی از منطقه‌ی گوده وار بستک به عنوان مبلغ و مشایخ طریقت به این شهر، بر زبان و گویش این منطقه نیز بی‌تأثیر نبوده است. در این پژوهش، ویژگی‌های آوایی و صرفی دو گویش مزبور بررسی و مقایسه می‌شود. منابع استفاده شده در این تحقیق، کتاب، پایان‌نامه، مقاله و فرهنگ واژگان دو گویش است که داده‌های گویشی به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی مقایسه می‌شود. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد با وجود اینکه گویش بندر خمیر در مجاورت و تأثیرپذیری مستقیم از گویش‌های لارستانی قرار داشته است، اما به عنوان گویشی از خانواده‌ی گویش‌های بندری، اصالت خود را از دست نداده و تنها در برخی ویژگی‌های آوایی به سمت گویش‌های لارستانی و بستکی گرایش داشته است.

کلیدواژه‌ها: مقایسه‌ی گویشی، گویش بندر خمیر، گویش بستکی، ویژگی آوایی، ویژگی

صرفی.

۱- مقدمه

شهرستان بستک با مساحتی حدود ۵۶۵۳/۴ کیلومتر مربع در حدود ۵/۸ درصد از مساحت کل استان هرمزگان را به خود اختصاص داده‌است. این شهرستان از شمال به استان فارس و از جانب شرق، غرب و جنوب به بندرلنگه محدود می‌شود. شهرستان بندرخمیر نیز با مساحت تقریبی پنج هزار کیلومتر مربع، از شرق به بندرعباس، از غرب به بندرلنگه، از شمال غرب به بستک، از شمال به بخش فین بندرعباس و استان فارس و از جنوب به آب‌های تنگه‌ی هرمز محدود می‌شود. شهر بستک در فاصله‌ی یکصد و هفتاد کیلومتری بندرعباس و صد و ده کیلومتری شهرستان لار واقع شده‌است. به دلیل نزدیکی این شهرستان به لار همچنین به سبب ارتباطات بازرگانی و فرهنگی که از گذشته میان دو منطقه وجود داشته، جغرافیا، تاریخ و فرهنگ این مناطق به هم پیوند خورده‌است؛ از این روست که هنوز هم میان مردم این مناطق ارتباطات تجاری و فرهنگی وجود دارد.

از نظر زبان، مردم بستک با لهجه‌ی فارسی جنوبی (گویش لاری) صحبت می‌کنند؛ به همین دلیل گویش مردم این منطقه با دیگر نواحی استان هرمزگان - که بندری زبان هستند - متفاوت است. این گویش بسیاری از میراث زبانی فارسی میانه را در خود حفظ کرده‌است. تاریخ جدید بستک با ورود مشایخ بنی‌عباس به این منطقه و مشایخ مدنی به کمشک و بستک در زمان نادرشاه افشار شروع می‌شود. این منطقه (کمشک) در زمان نادرشاه افشار دارای چهار قلعه و حتی مدرسه بوده و به نوعی مرکزیت داشته‌است. به دلیل همین اهمیت‌ها بوده که مشایخ مدنی، آنجا را برای اقامت خود و طریقت ارشاد انتخاب کردند (سلامی، ۱۳۷۳: ۸۵). مشایخ مدنی از سادات حسینی و ساکن مدینه بودند که به دعوت مشایخ بنی‌عباس برای تبلیغ دین به منطقه‌ی بستک آمدند. معروف‌ترین فرد این خاندان، شیخ احمد مدنی است (بالود، ۱۳۸۴: ۴۳). با سقوط صفویه به دست افغان‌ها، متنفذان محلی لار در پی احیای حکومت لارستان برآمدند و از یک سو بر سر جانشینی با همدیگر و از سوی دیگر به منظور کسب استقلال با حکومت مرکزی به نزاع پرداختند؛ مشایخ عباسی از این فرصت برای کسب پایگاه سیاسی، اجتماعی و مذهبی بهره بردند. آنان که ابتدا به ارشاد مذهبی مردم پرداختند، سپس با حکم حکومتی افشاریه و زندیه اداره‌ی امور سیاسی و اجتماعی مردم و راهنمایی آنان را بر عهده گرفتند و مالکیت اراضی و نخیلات مردم بومی وساکنین دهات را به دست آوردند (موحد، ۱۳۷۰: ۶۰). در دوره‌ی حکمرانی کریم‌خان زند، شیخ محمد دیده بان حاکم بستک، بندرعباس را با ۴۰۰۰ تومان مالیات سالیانه در اجاره داشت. محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه (کبابی) در کتاب «بندرعباس و خلیج فارس» می‌نویسد: «در دولت آل‌زند، بندرعباس و سایر بنادر متعلق به آنجا را خوانین بستک اجاره می‌نمودند.» (کبابی، ۱۳۶۳: ۷۳۵). در زمان حکومت نوادگان شیخ محمد، مقارن با اواسط دوره‌ی قاجار، سادات قتالی بنا به دعوت حاجی محمدخان بنی‌عباسی، حاکم بستکی بندرخمیر و حومه، از مناطق تابعه‌ی بستک به بندرخمیر آمدند و به تدریس علوم شرعیه پرداختند (دزگانی، ۱۳۸۷: ۴۱). مهاجرت مشایخ و

تدریس علوم دینی به ازدیاد مریدان از مناطق دور و نزدیک منجر شد و بسیاری از رعایای مناطق بستک که از مریدان اجدادی مشایخ نامبرده بودند، به مناطق بندرخمیر و دژگان آمدند و برای همیشه در این مناطق سکنی گزیدند. امروزه بسیاری از سادات بندرخمیر از نسل این مشایخ بستکی هستند.

این تحقیق، به بررسی و مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی در دو گویش بستکی و بندرخمیر می‌پردازد. با بررسی زبان اقوام می‌توان به فرهنگ و نوع نگرش و خاستگاه آنها پی برد؛ گویی «واژگان زبان، آیینه‌ی فرهنگ مردمی است که آن را به کار می‌برند.» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ از این رو بررسی زبان‌ها و لهجه‌ها راهی است به سوی درک درست فرهنگ و زندگی آن مردم.

گویش بستکی از خانواده‌ی گویش‌های دری لارستانی و گویش بندرخمیر از خانواده‌ی گویش‌های بندری محسوب می‌شود. بندرخمیر در روزگاران دراز به همراه بندرعباس تحت مالکیت و سیطره‌ی خوانین بستک و حکام لارستان قرار داشته‌است. حتی مؤلف «گمشدگان لب دریای پارس» با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «لازم به گفتن است که بسیاری از روستاهای شهرستان بندرخمیر و بندرلنگه به دنبال حکومت حاکمان لار بر آن مناطق، در گذشته تحت تأثیر آنها قرار گرفته و نسبتاً یا کاملاً به لاری سخن می‌گویند؛ مانند بندرخمیر، رویدر، پدل، لمزان و ...» (افراسیابی، ۱۳۹۰: ۶۲). بنابراین شواهد تاریخی و از آنجایی که زبان به عنوان ابزار اجتماعی جوامع، همواره دستخوش تحول و دگرگونی است، به مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی و صرفی دو گویش مذکور می‌پردازیم و شباهت‌ها و اختلافات زبانی دو گویش را که به لحاظ جغرافیایی و سیاسی در ارتباطی تنگاتنگ بوده‌اند، مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲- تحلیل داده‌ها

۱-۲- مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی گویش لمزانی و دو گویش مجاور ۱-۱-۲- همخوان‌ها (صامت‌ها)

در گویش بندرخمیر ۲۲ همخوان مشاهده می‌شود (رک. قتالی، ۱۳۸۸: ۱۷)، اما در مورد گویش بستکی اختلاف نظر وجود دارد؛ دو پژوهشگر گویش بستکی در استخراج واج‌ها ناهم‌هنگی و اختلاف‌نظر دارند. احمدنیا در «بررسی نظام آوایی گویش بستکی» و نیرومند در «بررسی دستور زبان گویش بستکی»، معتقدند این گویش ۲۳ همخوان دارد؛ اما در توصیف داده‌ها با یکدیگر اختلاف دارند. احمدنیا معتقد است: «همخوان /h/ در گویش بستکی وجود ندارد. از طرف دیگر، همخوان‌های /q/ «ق» و /ʔ/ «ء» - که در پارسی باستان وجود نداشته‌اند و از زبان عربی وارد زبان فارسی امروزه شده‌اند - نیز در گویش بستکی وجود ندارد.» (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۸). نیرومند /h/ «ه» را در ردیف همخوان‌های بستکی قرار داده و در صفحات متعددی از پایان‌نامه‌ی خود، این واج را در مواضع آغازی و میانی واژه نشان داده‌است؛ از جمله در مواضع آغازی واژه‌های /har/ (هر)، /hič/ (هیچ) (نیرومند، ۱۳۹۰: ۳۴) و مواضع میانی واژه‌ی /jāhel/ (جاهل)، همچنین

واج خیشومی /ŋ/ که در اصل واجگونه‌ای از /n/ است (ر.ک. ثمره، ۱۳۹۲: ۷۴)، طبق تشخیص آقای احمدنیا، همخوانی مستقل و با تمایز معنایی نسبت به /n/ در گویش بستکی محسوب می‌شود (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۶). نیرومند در پژوهش خود برخلاف احمدنیا، دو واج /h/ و /ʔ/ را به عنوان همخوان‌های گویش بستکی ذکر کرده و هیچ اشاره‌ای به /ŋ/ (نون خیشومی) نداشته‌است. حتی در آوانگاری واژه‌هایی که دارای این واجگونه هستند نیز آنها را به شکل /n/ نوشته‌است.

از موارد اختلاف گویش بندرخمیر با گویش بستکی، فقدان همخوان «ق» در ردیف واج‌های گویشی است. قتالی معتقد است: در گویش بندرخمیر «واج /q/ به /k/ بدل می‌شود؛ مانند /qabul/ که تلفظ می‌شود /Kabul/» (قتالی، ۱۳۸۸: ۱۹). مطابق پژوهش احمدنیا در گویش بستکی نیز وجود ندارد، اما نیرومند آن را به عنوان واجی زنده و مستعمل در گویش بستکی عنوان نموده و شاهد مثال آورده‌است. واج /ʒ/ «ژ» در گویش بندرخمیر نیز در ردیف همخوان‌های این گویش ثبت نشده‌است. قتالی در این باره می‌نویسد: «در گویش بندرخمیر واج /ʒ/ (ژ) کاربرد اندکی دارد و اغلب در صورت برخورد با آن تبدیل به /j/ (ج) می‌شود.» (همان). پژوهشگران بستکی /ʒ/ «ژ» را همخوانی مستقل محسوب کرده‌اند. احمدنیا آن را همخوانی واکدار و سایشی می‌داند و واژه‌ی /žāla/ (ژاله) را مثال می‌زند (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۵). نیرومند نیز آن را در جدول آوانگاری پایان‌نامه، با واژه‌ی /bižan/ (بیژن) مثال می‌زند.

از دیگر اختلافات دو گویش باید واجگونه‌ی خیشومی /ŋ/ را نام برد. این واجگونه زمانی بروز می‌کند که واکه‌ی بلند قبل از همخوان /n/ کوتاه تلفظ شود؛ همانند /nān/ «نان» که در گویش بستکی /non/ تلفظ می‌شود. این واجگونه در گویش‌های بندری و از جمله بندرخمیر مشاهده نشده‌است. در واقع، واکه‌های بلند در گویش‌های بندری قبل از /n/ پایانی شکسته و کوتاه نمی‌شوند. در بین گویش‌های معرفی شده‌ی لارستانی، تنها گویش بستکی است که دارای این واجگونه است (همان: ۶).

زمین	نان	زیبا و قشنگ	باران	
zemen	non	jowon	baron	بستکی
zamin	nun	jun	bārun	بندرخمیر

واجگونه‌ی ناسوده‌ی /w/ را می‌توان بین هر دو گویش مشترک دانست:

تب	آب	خواب	گبر	گاو	
tāw	hāw	xāw	gawr	gow	بستکی
tow	how	xow	gowr	gow	بندرخمیر

با توجه به داده‌های پژوهشگران نامبرده، همخوان‌های دو گویش در تقابل با یکدیگر در جدول ذیل نمایانده می‌شوند:

بندر خمیر	?	y	h	r	l	n	m	č	j	š	s	z	ɣ	x	v	f	g	k	t	d	b	P		
بستکی	?	y	h	r	l	n	m	č	j	š	s	z	ɣ	x	v	f	g	k	t	d	b	P	q	ž

۱-۲-۲- واکه‌ها

گویش بندرخمیر همانند زبان فارسی معیار، شش واکه شامل سه واکه‌ی کوتاه و سه واکه‌ی بلند دارد (ر.ک. قتالی، ۱۳۸۸: ۱۹). در گویش بستکی ۹ واکه در سه دسته‌ی کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۸). نیرومند تعداد هشت واکه برای گویش بستکی قائل است و احمدنیا ۹ واکه را بر می‌شمارد. اختلاف نظر این دو، در واکه‌ی کشیده‌ی /o:/ است که بنا بر اعتقاد احمدنیا، حذف همخوان‌های چاکنایی و کشش واکه‌ای به پدید آمدن این واکه منجر می‌شود و نیرومند آن را در ردیف واکه‌ها محسوب نکرده است.

گویش بندرخمیر همانند فارسی معیار تنها سه واکه‌ی کوتاه /a/، /e/، /o/ و سه واکه‌ی بلند /ā/، /ā/ و /u/ را داراست. گویش بستکی علاوه بر شش مورد مذکور، سه واکه‌ی کشیده /a:/، /e:/ و /o:/ را نیز اضافه دارد که محصول حذف همخوان‌های چاکنایی و کشش واکه‌ای است.

۱-۲-۳- واج آرایی

«به چگونگی پیوند و ترتیب و ظاهر شدن صامت‌ها و مصوت‌ها در ساخت هجایی، واج آرایی گفته می‌شود.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). کیفیت توزیع همخوان‌ها و واکه در هجا، بخشی از دانش زبانی سخن‌گویان هر زبان را نشان می‌دهد. برای دست یافتن به توصیفات بهتر، به بررسی نحوه‌ی آرایش واجی و مقایسه‌ی آن در گویش‌های بستکی و بندرخمیر می‌پردازیم:

(۱) در زبان فارسی هجا همواره با همخوان آغاز می‌شود؛ در گویش بستکی و بندرخمیر مطابق آوانویسی احمدنیا و قتالی، همزه‌ی آغازی از ابتدای واژه حذف می‌شود و هیچ واژه‌ای مبتدا به همزه نیست. احمدنیا می‌نویسد: در گویش بستکی، هجا همیشه با همخوان آغاز نمی‌شود. (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۱۲). وی برای تأیید نظر خود، واژه‌های /asp/ (اسب) و /ārd/ (آرد) را مثال زده است. قتالی در توزیع صامت‌های گویش بندرخمیر، همخوان همزه را به کار نبرده و معادل آوایی /ʔ/ را تنها برای حرف (ع) نظیر /ayšʔ/ (عیش، عروسی) و /ʔju/ (جوع، گرسنگی) استفاده کرده است (قتالی، ۱۳۸۸: ۲۳).

آرد	دستاس	اسب	علف	الآن
ārd	āš	asp	alaf	assoma
hārd	hāš	asp	alaf	estema

بستکی

بندر خمیر

۲) معمولاً صفات مفعولی و واژه‌هایی که در زبان فارسی معیار به «ه» بیان حرکت و واکه‌ی /e/ «ا» مختوم هستند، در فارسی معیار به /e/ «ا» ختم می‌شوند. در گویش بستکی، تمام این واژگان به واکه‌ی /o/ «ا» ختم می‌شوند. در گویش بندرخمیر نیز این واژگان به /a/ ختم می‌شوند:

گر به	سینه	دسته	نشسته	آمده	
gorbo	seno	dasso	šonosso	ando	بستکی
gorba	sina	dasta	nešta	honda	بندرخمیر

۳) در گویش بستکی ابدال /t/ «ر» به /l/ «ل» بسامد بالایی دارد. این ابدال در گویش بندرخمیر جز در معدودی از واژه‌ها مشاهده نمی‌شود و به صورت گرایش یا ویژگی گویشی تلقی نمی‌شود؛ به خصوص در مواضع ابتدایی افعال و واژگان که برخلاف گویش بندرخمیر، در گویش بستکی همانند گویش لاری یک خصیصه‌ی گویشی محسوب می‌شود. مالچانووا در توصیف گویش‌های لاری می‌نویسد: «در زمینه‌ی صامت‌ها تحول /t/ به /l/ و /t/ به /d/ مشهود است. لاری /bazāl/ (بازار)، فارسی دری /bāzār/». (مالچانووا، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

موریانه	انبر	لباس	ریسمان	چهره	ردیف	
lemez	ambol	lak	lesmoŋ	li	loš	بستکی
remizg	ambor	rak	rešmun	ru	rest	بندرخمیر

۴) در گویش بستکی واکه‌های بلند /i/ و /u/ در ابتدای واژه کوتاه می‌شوند، اما در گویش بندرخمیر بلند تلفظ می‌شوند:

برگ نخل	کره‌ی حیوانی	نیمه	دیدن	سینه	باریک	
peš	nemošk	nemo	dedo	seno	barik	بستکی
piš	nimošk	nima	diden	sina	bārik	بندرخمیر

/u/

مادر	نامزد	جان	شدن	کفش	خورشید	
moŋ	nomzad	joŋ	bodo	joti	loz	بستکی
mum	numzad	jun	buden	juti	ruz	بندرخمیر

همچنین این دو واکه در مواضع پایانی هجا نیز کوتاه می‌شوند که این کوتاه شدن، در گویش بستکی به خیشومی شدگی «ن» پایانی می‌انجامد:

زمین	رسیدن	شیرین	دکان	دندان	لمزان
zemeŋ	rasedo	šereŋ	dokoŋ	dodoŋ	lemazoŋ
zamin	rasiden	širin	dokun	dandun	lemazun

۵) در گویش بستکی /t/ از خوشه‌ی همخوانی /st/ «سُت» حذف می‌شود؛ به بیانی دیگر، واج /t/ با /s/ همگون‌سازی می‌شود. این خصیصه از ویژگی خانواده‌ی گویش‌های لارستانی است که در گویش بستکی نیز مشاهده می‌شود، اما گویش بندرخمیر این همگونی را ندارد:

بستن	شکستن	مست	خسته	پوست	زمستان
basso	eškasso	mass	xasso	piss	zameŋsoŋ
basten	eškasten	mast	xasta	pust	zemestun

این مثال در مورد /x/ «خ» در خوشه‌ی همخوانی /xt/ «خُت» نیز صادق است که در گویش عموماً بستکی حذف می‌شود، ولی در گویش بندرخمیر موجودیت دارد و تنها به صورت گرایش در معدودی از واژه‌ها مشاهده می‌شود:

دختر	سوختن	ریختن
dot	soto	loto
dox	soxten	rixten

۶) در گویش بستکی، در ابتدای واژه‌هایی که با /h/ «ه» آغاز می‌شوند، معمولاً به صورت گرایش، همخوان /ʔ/ «ء» تلفظ می‌شود. در گویش بندرخمیر گرایش بر تلفظ همخوان /h/ «ه» آغازی است؛ حتی در ابتدای بعضی واژه‌ها که مبتداً به همزه هستند نیز گرایش بر تلفظ و استعمال همخوان /h/ وجود دارد.

آرد	باجناق	آب	حصیر	دستاس	قارچ
ārd	amriš	āw	asir	āš	akāl
hārd	hamriš	hāw	hasir	hāš	hakāl

۷) در گویش بستکی زمانی که همخوان‌های ساکن /h/ «ه» و /ʔ/ «ء» بعد از واکه‌های کوتاه /ā/ «آ» و /o/ «ا» قرار بگیرند، از دایره‌ی تلفظ حذف می‌شوند و واکه‌ی ماقبل کشیده می‌شود. همچنین همخوان روان /y/ «ی» نیز در محیط بعد از واکه‌ی /e/ «ا» در صورت سکون، حذف می‌شود و واکه‌ی ماقبل، به جبران آن کشیده می‌شود. این فرآیند در گویش بندرخمیر وجود ندارد:

/a/ , /o/

محکم	مهریه	تلخ	زهره	پهلوی	بزغاله
mo:kam	ma:r	ta:r	za:ra	pa:ri	Ka:r
mohkam	mahr	tahr	zahr	pahlu	kahra

/e/

سیل	دنبلان	تایم	میوه	کیل	بیک عروسی
se:l	xe:r	te:m	me:va	ke:la	xe:loŋ
seyl	xehr	teym	meyva	keyla	xeylun

۸) در گویش بستکی واژه‌هایی که مختوم به /ā/ «ار» هستند، در حالت اضافی کوتاه می‌شوند و به /ar/ «ر» مبدل می‌شوند. این فرآیند در گویش بندرخمیر رخ نمی‌دهد:

کار گل اندوده	بار الاغ	دار (بادام)
kar-e šal	bar-e xar	dar-e badom
kār-e gel	bār-e xar	dār-e bādom

همچنین در ترکیب اضافی، زمانی که مضاف مختوم به واکه‌ی بلند باشد نیز این کوتاه‌شدگی در گویش لمزانی و بستکی در تقابل با گویش بندرخمیر رخ می‌دهد:

برادر ما	حلوای خوشمزه	خواهر بزرگ من	جای مناسب
kākay amā	halvay xaš	dāday mo	jay valm
kākāy mā	halvāy xāš	dādāy me	jāy valm

۹) در گویش بستکی واکه‌ی /u/ بدل از /ā/ یا بر اثر کشش واکه‌ای نمود می‌یابد و تقریباً تمام واژه‌هایی که در فارسی امروزه این واکه را دارند، در این گویش به اشکال

/i/ نمود می‌یابند؛ در حالی که در گویش بندرخمیر این تبدیل دیده نمی‌شود و گرایش عمومی بر تلفظ واکه‌ی /u/ است.

واژه‌های دو هجایی:

عمو	آلو	زانو	مولود	لوطی	پولک	دایی	
āmi	āli	zāni	mowlid	liti	pilaki	xāli	بستگی
āmu	ālu	zānu	mowlud	luti	pulaku	xālu	بندرخمیر

واژه‌های تک‌هجایی:

خور	مدفوع	لوک	شوی (شوهر)	بو	رو	
xir	gi	lik	ši	bi	li	بستگی
xur	gu	luk	šu	bu	ru	بندرخمیر

۲-۲- مقایسه‌ی ویژگی‌های صرفی گویش لمزانی و دو گویش همجوار

۲-۲-۱- شناسه‌ها

«مفهوم شخص و نیز مفهوم افراد و جمع را اجزایی مشخص می‌کنند که آنها را شناسه می‌نامند.» (انوری‌گیوی، ۱۳۸۹: ۲۲). بعضی از دستورشناسان با اطلاق کلی عنوان شناسه موافق نیستند؛ فرشیدورد معتقد است: «برخی از دستورنویسان، شناسه را به جای ضمائر فاعلی به کار برده و آن را وارد کتاب‌های درسی کرده‌اند که مناسب نیست؛ زیرا اینها فاعل می‌شوند. بنابراین ضمیراند نه شناسه.» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۳۷۶). شناسه‌ها در دو گویش بستکی و بندرخمیر به دو شکل پیشین و پسین کاربرد دارند. در افعال متعدی در زمان گذشته، شناسه‌ها به شکل ضمائر فاعلی و مفعولی قبل از بن فعل می‌آیند و پیشین هستند. وجوه تشابه شناسه‌ها - سوای اختلاف آوایی و لفظی آنها - در سه گویش را می‌توان این گونه ترسیم کرد:

الف - شناسه‌های پسین (شناسه‌های افعال لازم در زمان گذشته):

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
em	eš		om	i	en
om	i		im	itun	en

بستگی

بندر خمیر

مثال از فعل «خوایدن» به ساخت گذشته‌ی ساده:

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
em	eš	xat- Θ	om	i	en
om	i	xat- Θ	im	itun	en

بستگی

بندر خمیر

ب- شناسه‌های پیشین نوع ۱ (شناسه‌های افعال متعدی گذشته):

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
om	ot	oš	mon	ton	šon
om	et	eš	mun	tun	šun

بستگی

بندر خمیر

مثال از فعل «زدن» با ساخت گذشته‌ی ساده:

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
om-zot	ot-zot	oš-zot	mon-zot	ton-zot	šon-zot
om-zad	et-zad	eš-zad	mun-zad	tun-zad	šun-zad

بستگی

بندر خمیر

(۳) پیشوند /vā/ در گویش بستکی علاوه بر اینکه در نقش دستوری ظاهر می‌شود، در مواردی نیز نقشهٔ فرادستوری دارد و تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. در گویش بستکی

بسیاری از افعال با این پیشوند شروع می‌شود و در واقع، می‌توان گفت این پیشوند در بین خانواده‌های گویش‌های لارستانی مشترک است. در گویش بندرخمیر همانند بقیه‌ی گویش‌های بندری، این وند کاربرد چندانی ندارد.

عفونت زخم	بازگرداندن	برداشتن	چیدن، جمع کردن
vāšškasso	vā-gardenado	vā-sesso	vā-čedo
---	bar-gardiden	seyden	čiden
بستکی	بندر خمیر		

۴) در گویش بستکی تکواژ سببی /ena/ قبل از نشانه‌ی گذشته‌ی فعل - آخرین همخوان فعلی - می‌آید و فعل لازم (ناگذر) را متعدی (گذرا) می‌سازد. در گویش بندرخمیر به گونه‌ای دیگر و همانند افعال بندری، با تغییر آوایی به نسبت زبان فارسی افعال متعدی می‌شوند:

رسیدن (لازم)	رساندن (متعدی)	سوختن (لازم)	سوزاندن (متعدی)
rased-o	ras-enad-o	soto-soxed-o	Sox-enad-o
rasid-en	ras-ond-en	soxt-en	Sox-ond-en
بستکی	بندر خمیر		

۲-۲-۳- مصدر

در اکثر گویش‌های لارستانی، مصدر با افزودن واکه‌ی /a/ به بن یا ماده‌ی گذشته فعل ساخته می‌شود؛ به عبارتی دیگر در قیاس با زبان فارسی معیار، مصدر در گویش لمزانی با حذف «ن» پایانی حاصل می‌شود و مختوم به حرکت فتحه است. در گویش بستکی نیز مصدر به همین شیوه ساخته می‌شود که مختوم به واکه‌ی /o/ است (نیرومند، ۱۳۹۰: ۵۳). در گویش بندرخمیر، مصدر همانند فارسی معیار با ابقای «ن» پایانی و با نشانه‌ی /en/ ساخته می‌شود (قتالی، ۱۳۸۸: ۵۱).

خوردن	انداختن	نشستن	برخاستن
xard-o	kašt-o	šonoss-o	rossad-o
xard-en	kardid-en	nest-en	rostād-en
بستکی	بندر خمیر		

همان طور که داده‌های بالا نشان می‌دهد، ساخت مصدر در گویش بستکی همراه با حذف «ن» مصدری و مختوم به واکه است؛ در حالی که ساخت مصدر در گویش بندرخمیر به شیوه‌ای دیگر است. مؤلف «کتاب فرهنگ لارستانی و لارستان کهن»

در مورد شناخت گویش‌های لارستانی می‌نویسد: «خصوصیات مشترک لهجه‌های لارستانی آن است که از مصادر، تقریباً در تمام لهجه‌ها یکسان است یا حداقل ریشه‌ی آنها یکی است.» (اقتداری، ۱۳۷۱: ۲۲). بنا بر نظریه‌ی ذکر شده، گویش بستکی از منظر ساخت مصدر همانند بقیه‌ی گویش‌های لارستانی است.

۴-۲-۲- افعال معین و ربطی

افعال کمکی و اسنادی مهم و پر بسامد گویش بستکی عبارتند از: /esso/ (استن)، /den/ (بودن)، /bodo/ (شدن)، /hessi/ (هستن) و نیز فعل /bew/ که فعل کمکی گذشته‌ی التزامی است و امروزه شکل مصدری ندارد و شاید مصدر درست آن «بیودن» باشد. گویش بندرخمیر تنها در دو مصدر «شدن» و «هستن» با گویش بستکی مشترک است:

زده باشم	رفته بودم	آمده‌اند	
om-zoto-bit	rafto-ssond-em	ando-ss-en	بستکی
om-zade- bašet	rafta-er-om	hond-an	بندرخمیر

۵-۲-۲- فعل مجهول

برای ساخت فعل مجهول در گویش بستکی دو شیوه وجود دارد:

الف: از صفت مفعولی و صرف /rafto/ «رفتن»

خورده شد ← a xardo raft

فروخته شد ← a ferato raft

در گویش بندرخمیر نیز فعل مجهول از معادل فعل «شدن» یعنی /buden/ ساخته می‌شود:

خورده شد ← xardabu

پاره شده بود ← derda buder

نتیجه‌گیری

برآیند حاصل از مقایسه‌ی دو گویش بستکی و بندرخمیر نشان می‌دهد که گویش بستکی در مبحث آوایی با خصوصياتی نظیر خیشومی شدگی و کشش واکه‌ای از گویش بندرخمیر متمایز است. همچنین در گویش بستکی، فرآیندهایی چون ابدال /r/ به /l/ و همگونی در خوشه‌ی هخوانی /st/ مشاهده می‌شود که گویش بندرخمیر فاقد آن است. در مبحث صرفی، دو گویش دارای شناسه‌ی ارگاتیو هستند. ساخت مصدر، وندهای فعلی، تکوژ سببی، افعال معین و ربطی و فعل مجهول، گویش بندرخمیر را به طور کامل از گویش بستکی جدا می‌سازد و نشان می‌دهد، هر چند بندرخمیر نیز تحت سیطره‌ی خوانین بستک و حاکمان لارستان بود و بعدها مقصد مهاجرت و سکونت‌گاه سادات و مشایخ و مریدان آنها شد، اما گویش این شهر به جز تشابهات اندک آوایی، از تأثیرپذیری - به ویژه در مباحث صرفی و واژگانی - از گویش‌های لارستانی و بستکی محفوظ مانده‌است.

منابع و مآخذ

- باحمدنیا، مهدی (۱۳۸۷)، «بررسی نظام آوایی گویش بستکی»، همایش بین‌المللی زبان‌شناسی و مردم‌شناسی لارستان، ۱-۱۷.
- افراسیابی، اسماعیل (۱۳۹۰)، گمشدگان لب دریای پارس، تهران: دولت‌مند.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۱)، لارستان کهن و فرهنگ لارستانی، تهران: جهان معاصر.
- انوری، حسن و احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی ۲، ویرایش سوم، تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران: آگاه.
- باقری، مهری (۱۳۹۲)، مقدمات زبان‌شناسی، تهران: قطره.
- بالود، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ عامه در منطقه بستک، تهران: همسایه.
- ثمره، یدالله (۱۳۹۲)، آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)، تهران: نشر دانشگاهی.
- دژگانی، فاطمه (۱۳۸۷)، بندرخمیر بهشت گمشده، تهران: سیروان.
- سلامی، احمد (۱۳۷۳)، بستک در گذرگاه تاریخ، بندرعباس: مؤلف (بی‌نا).
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲)، دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
- کبابی، محمدعلی (سیدالسلطنه) (۱۳۶۳)، بندرعباس و خلیج فارس، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.
- قتالی، سیدعبدالجلیل (۱۳۸۸)، بررسی گویش و واژگان بندرخمیر، شیراز: ایلاف.
- مالچانوا، ای.ک (۱۳۸۰)، «گویش‌های لاری»، ترجمه‌ی معصومه احسانی، نامه فرهنگستان، شماره‌ی ۱۸: ۱۸۳-۱۸۷.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۹۳)، ساخت آوایی زبان، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- موحد، جمیل (۱۳۸۴)، بستک و خلیج فارس، تهران: بال کبوتران.
- نیرومند، سامیه (۱۳۹۰)، «پژوهشی در دستور زبان گویش بستکی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

The Phonetic and Morphological Features of Bastaki and Bandar Khamiri Dialect, a Comparative Study

M.S. Arzankar¹

Abstract

The port cities of Bandar Khamir and Bastak are located in Hormozgan province. The dialect spoken in Bandar Khamir is a sub-division of Bandari, and the dialect of Bastak is a subset of Dari Lârestâni. During the reign of the rulers of Bastak, the port city of Bandar Khamir was governed by Bastaki leaders; also the arrival of Sadatqetali from Guwdah to Bastak as missionaries had a great impact on Bandar Khamir's dialect. In this study, phonetic and morphological features of these dialects have been examined and compared. Sources used in this study include books, thesis, articles and vocabularies from both dialects; the dialectical data were compared using the descriptive-analytical method. The results of this study indicate that although the dialect spoken in Bandar Khamir is influenced by Lârestâni dialect but it has not lost its originality as part of the family of Bandari dialects, and has tended toward Lârestâni and Bastaki dialects in some limited phonetic features.

Keywords: Comparison of dialects, Bandar Khamir Dialect, Bastaki Dialect, phonetic features, morphological features